



سیف اله فضل الهی نمشی،
سوده اسلامی فر

معیارهای دانشگاه اسلامی

و اندیشه، به خصوص مراکز علمی و دانشگاهی است و یقیناً یکی از عوامل آسیب‌زا در حوزه شخصیت اخلاقی و ایمان مذهبی جوانان، به خصوص قشر اندیشمند و فرهیخته دانشجوی، روش‌های ناکارآمد و ارائه نادرست برنامه‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها در راستای تحکیم ارزش‌ها و باورهای فرهنگی متأثر از فلسفه اجتماعی است؛ امری که تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» از همان اول شکل‌گیری نظام اسلامی در سال ۱۳۵۷ پایه‌گذاری شده و با هدف اسلامی کردن دانشگاه‌ها، برای تحقق دغدغه‌های فوق تلاش می‌کند، تا از یک سو، دانشگاه‌ها را مستقل و بومی نموده و عزت و اقتدار دانشمندان را حفظ نماید و از سوی دیگر، تأثیرگذاری آن بر فرهنگ و روش‌های زندگی را بر مبنای فرهنگ واقعی و اصیل اسلامی

تولید دانش، فرهنگ‌سازی و ارائه خدمات، توسعه فرهنگ عمومی جامعه است. و فرهنگ نیز بیانگر روش زندگی افراد یک جامعه است که بر اساس یک فلسفه مسلط اجتماعی و از طریق تعامل بین انسان‌ها شکل گرفته، توسعه یافته و به نسل‌های بعدی منتقل شده است. یقیناً نهادهای اجتماعی، به ویژه دانشگاه‌ها رسالتی جز توسعه فرهنگی به عنوان مهم‌ترین رکن توسعه همه جانبه برای داشتن انسان‌های سالم از نظر جسمانی و روانی و کاربند و ماهر برای ارتقاء شیوه زندگی ندارند. بی‌شک ترویج هرچه بیشتر آموزه‌های دینی و فراگیر کردن امور فرهنگی و گسترش دامنه شمول آن و جذب و تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطبین، از مهم‌ترین دغدغه‌های مجموعه‌ها و دست اندرکاران و فعالان حوزه‌های فرهنگ

پیش درآمد کارکرد اصلی دانشگاه‌ها، آموزش، پژوهش، تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر و توسعه فرهنگی جامعه است. ولی رویکرد اصلی آنها در ایران، آموزش بوده و توفیق چندانی در تولید دانش و توسعه فرهنگ عمومی نداشته‌اند. آنها با برخورداری از محیطی مستقل، آزادی علمی و ثبات شغلی سعی در تولید دانش، فرهنگ‌سازی و ارائه خدمات دارند. هدف اصلی آنها، توسعه اطلاعات (شخصیت‌سازی)، توسعه مهارت‌ها (ایجاد ارزش افزوده)، توسعه شخصیت (دگرگونی) و خلاقیت و تفکر (شکوفایی استعداد) بوده و ابزار اصلی برای تأثیرگذاری بر فرهنگ و شخصیت افراد، فقط اطلاعات و الگوهای رفتاری هستند. از کارکردهای دانشگاه‌ها، علاوه بر

مراد از اسلامی شدن دانشگاه‌ها، این است که تمامی عناصر دانشگاه همسو و هم‌جهت با ارزش‌ها و ایده‌های اسلامی باشند و یا حداقل در تعارض با الگوها، ارزش‌ها و آرمان‌های والای الهی - انسانی نباشند.

آزادی و به کارگماری استادان و مدیران فاقد تعلق دینی و حساسیت مذهبی در صدر امور و علم‌زدگی و عنوان‌گرایی و دوری از واقع نگری و دین محوری در دانشگاه‌ها وجود دارد، که لازم است با تدوین استراتژی‌های کلان، جامع، علمی، موثر و تنظیم معیارهای واقعی، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و آرمان‌های والای جامعه مسلمان، راه را برای تحقق اهداف هموار کرد.

معیارهای دانشگاه اسلامی

۱. اجرای برنامه‌های فرهنگی متناسب با فرهنگ دینی و ارزشی جامعه، از جمله فراهم ساختن زمینه انتخاب طرح و اجرای برنامه‌های فرهنگی - مذهبی هدفمند و از پیش تعیین شده، و اجتناب از طرح و بررسی هر نوع مطالب متناقض با اعتقادات و باورهای دینی فراگیران.

۲. مخاطب‌شناسی و هماهنگی با مخاطب و توجه به نیازها و علایق دریافت کنندگان برنامه‌های فرهنگی - دینی و اطلاع داشتن از سطح آگاهی و پیش یافته‌های ذهنی آنها و رعایت احترام و برخورد اصولی.

۳. توجه به بایدهای ترویج اخلاق و دین در دانشگاه‌ها، از قبیل اخلاص و خدایی بودن هدف، همراهی علم و تقوا، صداقت و یگانگی گفتار و کردار. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «به راستی اگر عالم به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دل‌ها بلغزد، آن چنان که بران از روی سنگ صاف بلغزد»^۱.

۴. درک اهمیت کار در دانشگاه‌ها و اهمیت امور فرهنگی و شناخت مخاطبان و نیازهای آنها و به کارگیری اکسیر محبت.

۵. برخورد عالمانه و بهره‌گیری از اندیشه با دانشجویان و دانشگاهیان و اقدامات فعال و پیشگیرانه در برابر برنامه‌های ضد دینی.

۶. توجه به نیایدهای ترویج اخلاق و دین در دانشگاه‌ها از جمله پرهیز از

مراد از اسلامی شدن دانشگاه‌ها، این است که تمامی عناصر دانشگاه همسو و هم‌جهت با ارزش‌ها و ایده‌های اسلامی باشند و یا حداقل در تعارض با الگوها، ارزش‌ها و آرمان‌های والای الهی - انسانی نباشند. فرایند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، علی‌رغم گذر از فراز و نشیب‌های فراوانی، هنوز هم از حیث نظری، تحلیلی و هم به لحاظ علمی با پرستش‌های بسیاری روبرو است.

دانشگاه اسلامی رویکردی است که می‌تواند در ارتقای فرهنگ دینی از طریق ارائه الگویی توانمند از علم و دین، دمیدن روحیه تعهد و الزام اجتماعی در میان دانشجویان و پژوهشگران برای بهره‌مندی از معرفت و افزایش مسئولیت‌پذیری، جهت‌دهی درس‌های نظام دانشگاهی به سوی ارزش‌های متعالی دینی و ارتقاء فرهنگ عمومی آنان، فضا سازی علمی مطلوب برای ارائه راه‌کارهای عملی جهت فائق آمدن بر اختلافات، بازسازی تمدن اسلامی در پرتو توسعه علمی و با حضور نظری و فیزیکی دانشگاهیان تاثیر داشته باشد. از دیدگاه موافقان ضرورت انقلاب فرهنگی و جدی گرفتن ادامه آن در قالب حرکت اسلامی کردن دانشگاه‌ها، ارج نهادن و پاسداری از رشد و تکامل، در پرتو این حرکت فرهنگی و لزوم تبیین ضعف‌ها و ترسیم برنامه‌هایی برای آینده، از دلایل تداوم این کار است؛ اما مخالفان معتقدند این کار، به عنوان نوعی قشری‌گری و فرصت طلبی، انحصار طلبی و گروه‌گرایی بوده و انقلاب فرهنگی را زیانبار می‌نماید.

اسلامی کردن را حرکتی برای بی‌رقیب کردن حاکمیت و در راستای ارضای حفظ ظاهر یسندی قشریون مذهبی، تحقیر دانشگاه‌ها و کادر علمی تلقی می‌نمایند. البته هنوز هم موانعی درونی؛ مانند فضای فکری و ذهنی ارکان دانشگاه‌ها، موانع بیرونی؛ مانند تهاجم فرهنگی و فقدان برنامه‌ریزی، ابهام در ارزش‌ها و حدود وظایف فقهی و حقوقی، افراط و تفریط در قلمرو

و ایرانی، از طریق ابزارهای در اختیار خود (دانش و الگوهای رفتاری مدیران، اساتید، کارکنان و مخاطبان) درونزا نمایند تا در فرایند اجتماعی شدن، در خدمت تربیت انسان‌های سالم، ماهر، متخصص، توانمند و بومی شده باشند و برای توسعه پایدار و همه جانبه جامعه تلاش نمایند.

دانشگاه اسلامی

«اسلامی شدن» به معنای تحمیل یک حاکمیت، طبقه یا صنف خاص نیست، بلکه عجمین ساختن دانش‌اندوزی با آداب معنوی و ارزش‌های دینی و انسانی در جامعه علمی است و به معنای مبارزه با انحرافات جامعه علمی، جلوگیری از تبدیل دانشمندان به عنصری بی‌احساس عاطفی و تعهد دینی و دمیدن روح استقلال در جامعه علمی کشور است. باید روح دانشگاه‌ها، اسلامی باشد و آرمان‌ها، اهداف و خلق و خوی آن اسلامی و ظاهر آن اصلاح شود. هر چند ظاهر شرط لازم است، ولی کافی نیست. دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که هدف آن، هدف‌های اسلامی و دینی باشد و ارکان آن را نیروهای مومن و متعهد تشکیل بدهند و ارزش‌ها نیز در اولویت باشند. در دیدگاه دیگری، دانشگاه اسلامی همچون جامعه‌های اسلامی، جایی است که ارزش‌های حاکم در آن اسلامی باشد و اگر اصول تبدیلی و اعتقادی و علمی اسلام در محیط دانشگاه، به صورت ارزش در آمد، آن دانشگاه اسلامی است. موضوع اسلامی شدن دانشگاه‌ها در ایران، در سال ۱۳۵۹، همزمان با شروع انقلاب فرهنگی آغاز شد. امام خمینی (ره)، معنای اسلامی شدن را چنین بیان می‌فرماید: «معنای اسلامی شدن دانشگاه‌ها این است که استقلال پیدا کند و خودش را از وابستگی به غرب جدا کند و خود را از وابستگی شرق جدا کند و یک کشور مستقل و دانشگاه مستقل و یک فرهنگ مستقل داشته باشیم».

باید روح
دانشگاه‌ها، اسلامی
باشد و آرمان‌ها،
اهداف و خلق
و خوی آن اسلامی
و ظاهر آن اصلاح
شود. هر چند ظاهر
شرط لازم است،
ولی کافی نیست.
دانشگاه اسلامی،
دانشگاهی است که
هدف آن، هدف‌های
اسلامی و دینی
باشد و ارکان آن
را نیروهای مومن
و متعهد تشکیل
بدهند و ارزش‌ها نیز
در اولویت باشند.

به نظرمی‌رسد، رسالت و دغدغه دانشگاه‌های ما پیش از دیگر دانشگاه‌ها باشد که با ایجاد ساختارهای پویا و خود اصلاح‌گر، کارکردهای خود را با محیط اسلامی و ارزشی تطبیق دهند و زمینه را برای تحقق دانشگاه اسلامی فراهم سازند.

بدبینی و سوءظن نسبت به مخاطبان، رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی و دوری از برخورد جناحی، حزبی و تشکیلاتی با دانشجویان.^۲

۷. جلوگیری از پردازش ضعیف موضوعات دینی و وجود خرافات در آنها.

۸. استفاده از منابع علوم دینی در تنظیم محتوای درسی دروس دانشگاهی.

۹. بررسی مفهوم علم و توجه به خصوصیات علم از قبیل دعوت به توحید آدم‌سازی، توجه به خدا، اولویت به تزکیه به عنوان هدف اصلی تربیت، تکمیل مکارم اخلاق، و تلفیق مفاهیم اسلامی با علم کنونی و تشویق تفکر انتقادی به عنوان ساختار فکری غالب در دانشگاه.

۱۰. داشتن اساتید متخصص و متعهد و آشنا به معارف اسلامی و دانشجوی ملتزم و متعهد به اصول دین برای بیان واقعیت‌ها و حفظ دین و کشور، مواجهه معقول و منطقی و متناسب با

منحرفین و اخلال‌گران، نجات مغزهای شبهه زده، مؤمن ساختن دانشگاهیان، امانت‌داری نسل آینده، تربیت متخصص مستقل، مقابله با کارشکنی و بی‌تفاوتی، مسئولیت‌پذیری، اصلاح فرهنگ و استقلال آن، دور کردن ناامیدی از دل‌های دانشجویان، آگاه نمودن جوانان، اصلاح کتاب‌های درسی، قطع امید از غرب، تربیت اخلاقی، تربیت صحیح اسلامی و پاک‌سازی محیط آموزشی.

۱۱. تربیت و پرورش استادان و دانشجویان متعهد، برای آگاه‌سازی ملت‌ها، ملتزم به احکام اسلام، حفظ انسجام، تقویت ایمان خویش، پر کردن مساجد تداوم دهنده راه انقلاب، مقابله با منحرفان و تفرقه‌افکنان.

۱۲. مدیریت مبتنی بر اساس اصول اسلامی و دینی، اخلاق مدیریتی و پرهیز از تبعیض مثبت و تصمیمات در باب جذب دانشجو، شهریه و کمک‌های مالی؛ مدیریت اسناد و مدارک؛ معیارهای دسترسی به محیط فیزیکی؛ عدم سوء استفاده از قدرت و تعارض منافع؛ اطلاعات محرمانه؛ امنیت و بزهکاری؛ تخلفات نرم افزاری و حق انحصاری اثر؛ تخلفات اینترنتی.

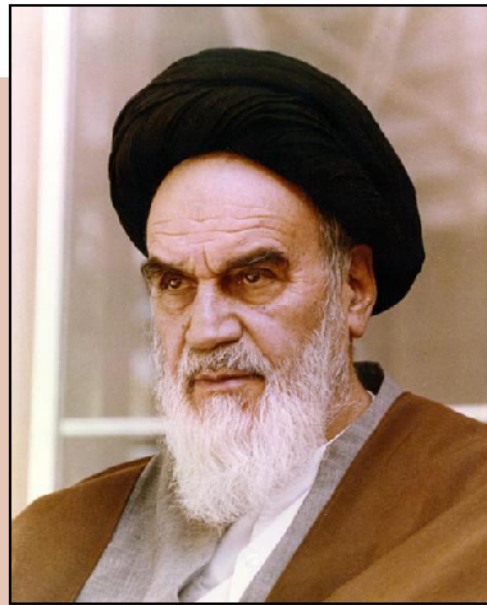
افزایش سهم زنان در آن، افزایش تنوع نقش آنها در سیاست، فرهنگ و فناوری، نا هماهنگی بین آموزش‌ها و مشاغل در جهت تسریع اشتغال، تعارض بین نظام آموزش کلاسیک و نظام آموزشی مبتنی بر پژوهش، محوریت پژوهش و ضرورت پاسخگو بودن به نیازهای ملموس جامعه، تمایل به واردات فکر به جای بومی سازی دانش، و ضرورت تسریع آموزش‌های مجازی و استفاده از فناوری ارتباطات ماهواره‌ای، و تنوع در منابع مالی و کاهش تکیه بر منابع دولتی، لزوم تغییر ساختاری مطابق تحولات بنیادی در روابط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روبرو هستند. به طور قطع، در این فرایند، ایجاد تعادل بین نیازها و الزامات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز امری مورد توجه خواهد بود. از این رو، در موقعیت فعلی به نظرمی‌رسد، رسالت و دغدغه دانشگاه‌های ما پیش از دیگر دانشگاه‌ها باشد که با ایجاد ساختارهای پویا و خود اصلاح‌گر، کارکردهای خود را با محیط اسلامی و ارزشی تطبیق دهند و زمینه را برای تحقق دانشگاه اسلامی فراهم سازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، جلد ۱، ص ۵۹.
۲. حسن قدوسی زاده، نکته‌های ناب، ج ۴، قم، معارف، ۱۳۸۴، ص ۱۸.

چالش‌های پیش روی دانشگاه اسلامی
دانشگاه‌ها در ایران در حال حاضر، با چالش‌ها و سؤالات زیادی از جمله تغییر ترکیب جمعیتی دانشجویان و





دانشگاه اسلامی در کلام امام خمینی (ره)

• «معنای اسلامی شدن دانشگاه‌ها این است که استقلال پیدا کند و خودش را از وابستگی به غرب جدا کند و خود را از وابستگی به شرق جدا کند و یک کشور مستقل و دانشگاه مستقل و یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. عزیزان من، ما از دخالت نظامی و حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است. ما از دانشگاه استعماری می‌ترسیم که جوانان ما را در آن طوری تربیت کنند که به غرب و کمونیست خدمت کنند.» (صحیفه نور، ۵۴/۱۲).

• «باید تلاش کنید که جهات دینی را در دانشگاه بیشتر کنید. باید قبل از هر چیز دانشگاه اسلامی باشد. برای اینکه کشور هر چه صدمه خورده است از کسانی بوده است که اسلام را نمی‌شناخته‌اند» (همان، ۸۷/۱۹).



دانشگاه اسلامی در کلام رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای

• «من دانشگاه اسلامی را دانشگاهی می‌دانم که در آن، علم یک ارزش حقیقی است. آدم علم را برای گرده نانی که از آن طریق می‌شود به دست آورد، تحصیل نمی‌کند. ببینید، نبی اکرم می‌فرمایند: «اطلبوا العلم و لو بالضئین». یعنی با شرایط آن روز، اگر لازم است از حجاز به چین بروید تا علم به دست بیاورید، بروید. آن روز برای چقدر پول و چقدر درآمد ممکن بود یک نفر سوار شتر یا سوار کشتی شود و به چین برود؟! مگر امکان دارد چنین تلاشی در مقابل درآمد مادی باشد؟! این معنایش آن است که علم ارزش است. این در دانشگاه اسلامی باید باشد. شما باید علم را دوست بدارید، ارزش بدانید، آن را برای خدا و با نیت خالص دنبال کنید.» (در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۰۲/۲۲)

• «در دانشگاه اسلامی علم، با دین، و تلاشگری با اخلاق، و تضارب افکار با سعه صدر، و تنوع رشته‌ها با وحدت هدف، و کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرف‌نگری با سرعت عمل، و خلاصه دنیا با آخرت همراه است.» (۱۳۷۵/۰۷/۰۳)